

شهید دکتر فتحی شقاقی (مبارزی و وحدت طلب)

عزالدین رضائزاد*

گذری بر زندگی نامه

سه سال پس از شکست ۱۹۴۸ اعراب در برابر رژیم صهیونیستی (یعنی در سال ۱۹۵۱ م)، در اردوگاه رفح واقع در نوار غزه، نوزادی چشم به جهان گشود که بعدها خار چشم غاصبان سرزمین فلسطین شد. خانواده فقیر و متدین وی، او را «فتحی ابراهیم» نام نهادند تا شاید در آینده نزدیک هم چون «ابراهیم» تبر به دست گیرد و به جنگ نمرودیان عصر اتم رود و «فتحی» را به ارمغان آورد. پدرش یک کارگر بود که در عین حال امام جماعت دهکده «زرنوقه» نزدیک «یافا» نیز به شمار می آمد. خانواده اش در سال ۱۹۴۸ آواره شد و به نوار غزه مهاجرت نمود.

ابراهیم، ایام نوجوانی را در اردوگاه سپری کرد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را طی کرد و با دلی آکنده از کینه مزدوران صهیونیستی - مانند بسیاری دیگر از جوانان فلسطینی - به آزادی فلسطین می اندیشید. در پانزده سالگی مادرش را از دست داد. وی فعالیت های سیاسی خود را پس از شکست اعراب در جنگ ژوئن ۱۹۶۷ شدت بخشید و با شور ایام جوانی، در آن مقطع زمانی با توجه به اوج گیری گرایش های ناصریسم، به شدت تحت تأثیر این گرایش ها قرار گرفت و به جمال عبدالناصر به عنوان یک شخصیت و یک رهبر عرب علاقه مند شد.

وی در سال ۱۹۶۶ با همکاری چند تن از دوستانش یک تشکل سیاسی را در چارچوب اندیشه های ناصریسم به وجود آورد تا بتواند «فتحی» را شاهد باشد و «شقاقی» در دل دشمن اندازد. اما دیری نپایید که این تشکل در اثر مشکلات و موانع موجود بر سر راه فعالیت آن منحل گردید. شکست سال ۱۹۶۷ میلادی، تحول عمیقی را در نگرش فتحی شقاقی به وجود آورد. وی در این باره می نویسد:

* استادیار و عضو هیئت علمی مرکز جهانی علوم اسلامی.

«این شکست مسیر حرکت جوانی را که خواستار آزادی و بازگشت به وطن اشغال شده‌اش بود تغییر داد؛ زیرا برای من قابل تحمل نبود که شخصیتی چون عبدالناصر شکست بخورد.» (سایت: qodstv.ir).

در سال ۱۹۶۷ م بود که یکی از دوستان فتحی شقاقی، کتاب «نشانه‌های راه» از شهید سید قطب را در اختیار او گذاشت و این کتاب در واقع پایه و مایه تأسیس «جنبش جهاد اسلامی» شد. وی در هجدهمین سال بهار عمرش، در سال ۱۹۶۸ م در دانشگاه «بیر زیت» در کرانه باختری پذیرفته شد و پس از طی دو سال تحصیل به عنوان معلم ریاضیات عازم مدرسه «النظامیة» در بیت المقدس شد.

شقاقی در طی این دوران به رغم وجود حساسیت شدید و تنش میان نیروهای داخل فلسطین، با برخی از گروه‌ها و نیروهای ملی ارتباط برقرار کرد و در بعضی از فعالیت‌های سازمان‌های ملی و چپ‌گرا مشارکت نمود.

فتحی در سال ۱۹۷۴ برای ادامه تحصیل در رشته پزشکی وارد دانشگاه «الزقازیق» مصر شد و موفق گردید دکترای طب اطفال را از این دانشگاه دریافت کند. حضور فتحی شقاقی در مصر را می‌توان از پربارترین و مهم‌ترین مراحل سیاسی و فکری زندگی وی به شمار آورد؛ دوره‌ای که از سال ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۱ - یعنی تاریخ اخراج او از مصر - به درازا کشید. در دانشگاه الزقازیق بود که نطفه یک جنبش واقع‌گرای اسلامی منعقد گردید و نخستین هسته‌های این سازمان متشکل از برخی دانشجویان جوان فلسطینی این دانشگاه به رهبری او شکل گرفت و بعدها این هسته به قلب فلسطین انتقال یافت و هسته اولیه سازمان جهاد اسلامی در داخل فلسطین ایجاد شد.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، و به طور دقیق در همین دوران (تاریخ ۱۹۷۹/۲/۱۶ م) کتابی از سوی فتحی شقاقی با عنوان «خمینی، راه‌حل اسلامی و جای‌گزین»^۱ نشر یافت که اولین کتاب نشر یافته در سطح جهان در مورد پیروزی انقلاب اسلامی به زبان عربی بود.

به گفته محمد ابو جهاد (از رهبران جنبش جهاد اسلامی) این کتاب - که در یک طرف آن عکس امام قرار داشت که در نوفل لوشاتو زیر درخت سبب نشسته بود و در طرف دیگر، عکس شاه قرار داشت که سرش شکافته شده بود - همان شب اول چاپ، تیراژ ده هزار جلدی آن تمام شد و بار دیگر به زیر چاپ رفت. دستگاه امنیتی مصر به جرم چاپ این کتاب، در تاریخ ۱۹۷۹/۷/۲۰ م حکم بازداشت دکتر شقاقی را صادر کرد و او را به زندان «القلعة» انداخت و شکنجه نمود. (روزنامه رسالت،

۱- نام کتاب به عربی عبارت است از: «الخمینی، الحل الإسلامي و البدیل».

شماره ۵۹۳۷). هم‌چنین وی به دلیل دیگر فعالیت‌های اسلامی - سیاسی خود تحت پیگرد دولت‌مردان مصر قرار داشت و سرانجام به جرم بنیان‌گذاری جنبش جهاد اسلامی در سال ۱۹۸۰ پس از تحمل چند ماه زندان از خاک مصر اخراج شد و در تاریخ ۱۹۸۱/۱۱/۱ وارد سرزمین فلسطین گردید.

شقایق بلافاصله پس از بازگشت به فلسطین در نوامبر ۱۹۸۱ به تأسیس هسته‌های سازمان جهاد اسلامی در سرتاسر اراضی اشغالی و به خصوص در غزه و کرانه باختری پرداخت و هم‌زمان برای آموزش و تربیت کادرهای جدیدی برای جنبش و ساختن نیروی نظامی و عقیدتی آن اقدام نمود تا این که سرانجام فعالیت‌های سیاسی وی توجه نیروهای اشغال‌گر صهیونیستی را جلب نمود. این پزشک جوان که در آن هنگام در بیمارستان «ویکتوریا» در بیت‌المقدس کار می‌کرد در سال ۱۹۸۳ به اتهام تشکیل سازمان جهاد اسلامی دستگیر و یازده ماه زندانی شد و بار دیگر، در سال ۱۹۸۶ به اتهام تحریک مردم علیه رژیم صهیونیستی و انتقال اسلحه به غزه، به چهار سال زندان و پنج سال حبس تعلیقی محکوم شد. زمانی که رژیم صهیونیستی متوجه شد شقایق از درون زندان نیز فلسطینیان را رهبری می‌کند، وی را به همراه برخی از دوستانش - پیش از پایان محکومیتشان - در تاریخ ۱۹۸۸/۸/۱ م به جنوب لبنان تبعید نمود. شایان ذکر است که خود «اسحاق رابین» وزیر دفاع وقت رژیم صهیونیستی دستور اخراج شقایق از فلسطین را صادر نموده بود.

وی در سال ۱۹۹۵ با گذرنامه جعلی با نام «ابراهیم شاپوش» به لیبی رفت تا پیرامون وضعیت آوارگان فلسطینی در مرزهای لیبی و مصر با سرهنگ قذافی رهبر این کشور دیدار کند. اما به دلیل تحریم هوایی لیبی، وی مجبور شد با کشتی به «مالت» برود و سرانجام در ساعت یک بعد از ظهر پنج شنبه مورخ ۱۹۹۵/۱۰/۲۶ وقتی به هتل «دیپلماتیک» جزیره مالت باز می‌گشت توسط عوامل موساد ترور شد و به شهادت رسید. (www.Jamaa-qou.com)

فلسطین از مظاهر وحدت مسلمانان

فلسطین از نظر دکتر فتحی شقایق اصل و اساس کلیه مسایل جهان اسلام به شمار می‌رود. وی همیشه می‌گفت: «تا وقتی بر سه اصل متکی باشیم پیروز و موفق خواهیم شد: الف) فلسطین را بدون اسلام مطرح نکنیم؛ ب) اسلام را بدون فلسطین نخواهیم؛ ج) این دو بدون جهاد و شهادت میسر نخواهد شد». (روزنامه رسالت، شماره ۵۹۳۷).

به نظر او آرمان فلسطین می‌بایست برای تمامی مسلمانان و گروه‌های ملی‌گرا و چپ‌گرا در سراسر جهان عرب و اسلام از مرکزیت برخوردار باشد و وجود وضعیت فعلی در فلسطین به نقش رهبران فرصت‌طلب غیراسلامی بر می‌گردد که زمام رهبری توده‌ها را به دست گرفته‌اند.

با وجود تأثیرپذیری شقاقی از امام خمینی علیه السلام و اعتقاد راسخ وی به مقاومت به عنوان تنها راه مقابله با رژیم صهیونیستی هیچ‌گاه از همکاری غیرمسلمانان (مسیحیان) در انتفاضه فلسطین روی‌گردان نبود. وی معتقد بود در جنبش جهاد اسلامی باید دیگر هم‌وطنان فلسطینی نیز علیه رژیم غاصب متحد شوند. انتخاب این هدف و حرکت در این راستا، یکی از دلایل اصلی شهادت وی به نظر می‌رسد. علاوه بر این که در زمینه فکری، نوشته‌های او بهترین دلیل و گواه بر تیزی و دقت نظر و عمق دیدگاه وی نسبت به اسلام و آینده مسلمانان است.

مقالات و سخنرانی‌های پرشور و عمیق او در اجلاس‌ها و سمینارهایی که در ایران، لبنان، سوریه و کشورهای دیگر برگزار گردید، تأیید کننده این ادعا است. او با تمام وجود به وحدت مسلمانان معتقد بود و روحیه جهاد و شهادت را راه گشای مشکلات مسلمین می‌دانست.

تأکید بر وحدت و مشارکت مسلمانان و مسیحیان فلسطین

نگاه به وحدت امت اسلامی، در افقی گسترده‌تر به تأکید بر وحدت و مشارکت مسلمانان و مسیحیان در دفاع از فلسطین و آزادی آن از اشغال رژیم غاصب صهیونیستی انجامید. دکتر شقاقی درباره مسیحیان فلسطینی چنین عقیده‌ای داشت: «هدف ما آزادی فلسطین است. در امر آزادی، تمامی فلسطینیان چه مسلمان و چه مسیحی برای دفاع از وطن و مقدسات خویش باید مشارکت داشته باشند. ما در جنبشمان آمادگی آن را داریم تا در صفوف خود مسیحیانی را که قصد جهاد و مبارزه دارند، بگنجانیم. آنها می‌توانند در عقیده خویش آزاد باشند؛ ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾. هدف ما آزادی فلسطین است؛ هدف ما پیروزی اسلام در فلسطین و در جای جای گیتی است. ما ایمان قلبی داریم که اسلام راه صلاح و رستگاری بشریت است، با این حال باید اصول و قوانین اسلامی که به کسی ظلم روا نداشته و همه را یکسان می‌داند، مد نظر قرار گرفته و به اجرا درآید. مسیحیان در سایه قوانین و اصول اسلامی، عزت و کرامت خواهند یافت؛ همان گونه که در قرن‌های گذشته زیر سایه اسلام زندگی کردند و تنها پس از غروب آفتاب اسلام از آن مناطق بود که آنان ذلت و خواری را به چشم خود دیدند.

من تأکید می‌کنم که این مسیحیان [مسیحیان فلسطین] به وطن خویش ایمان داشته و خواهان آزادی آن هستند، و در راه انجام وظیفه دفاعی خویش نه خراجی باید بپردازند و نه جزیه‌ای». (سایت: qodstv.ir).

دکتر فتاحی، تجلی‌بخش وحدت در ارتباط با انقلاب اسلامی ایران

در آستانه ورود به قرن پانزدهم هجری، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران طلیعه‌ای برای خودباوری مسلمانان در سراسر جهان به ویژه در منطقه خاورمیانه شده است. توجه منادیان وحدت مسلمین و اهتمام آنان به پیوند بیشتر گروه‌ها و ارتباط ملت‌های مسلمان با یک‌دیگر، دشمنان اسلام را به وحشت انداخت. دکتر شقاقی در این جهت، جزء افراد نادر یا اولین کسانی بود که دروازه ارتباط و علاقه بسیاری از مسلمانان را به جمهوری اسلامی گشودند. وی غیر از مسئله فلسطین و حرکتی که در فلسطین آغاز کرد و در آن‌جا به معرفی امام خمینی علیه السلام و انتقال روحیات انقلابی ملت مسلمان ایران به مردم فلسطین پرداخت، رسالت ارتباط دیگر گروه‌های مسلمان در کشورهای دیگر با جمهوری اسلامی را هم بر عهده گرفت و بسیار تلاش کرد تا گروه‌های مسلمان دیگر را به جمهوری اسلامی نزدیک کند.

رسالت دیگر وی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران انجام گرفت؛ زمانی که بوق‌های تبلیغاتی دشمنان ما، آمریکا، صهیونیسم و کشورهای غربی، در حمایت از صدام به کار گرفته شده بود تا کشورها و مردم مسلمان عرب را از جمهوری اسلامی دور نگه دارند و ضمن ایجاد تفرقه، چنین قلمداد کنند که جمهوری اسلامی منافع امت عرب را به خطر انداخته است، وی در زدودن این طرز تفکر از جامعه عرب نسبت به جمهوری اسلامی نقش بسیار اساسی داشت؛ با شخصیت‌های مختلف ملاقات و آنها را توجیه می‌کرد و مواضع صحیح جمهوری اسلامی را به آنها منتقل می‌نمود.

دکتر شقاقی مبلغ علمی و عملی وحدت شیعه و سنی

هنگامی که همهٔ مزدوران استعمار و استکبار جهانی به ایجاد تفرقه و تشتت امت اسلامی پرداخته بودند و با هجوم به مظاهر وحدت مسلمانان، پراکندگی عمیق قومی و طایفه‌ای را گسترش می‌دادند، مقاله‌ای ارزشمند در مجله «النور» در فلسطین نشر یافت که با شعار و شعور علمی، بر وحدت و یک‌پارچگی امت اسلامی تأکید نموده بود. این مقاله بعدها به صورت قطع وزیری در سال ۱۴۰۵ ق. از سوی سازمان تبلیغات اسلامی (بخش روابط بین‌الملل) و در قطع

جیبی از سوی انتشارات الهدی در سال ۱۴۲۴ق. با عنوان «السنة و الشيعة ضجة مفتعلة» چاپ گردید.

نویسنده این مقاله معتقد است پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، کشورهای غربی به دلیل ترس از گسترش و تأثیرگذاری این انقلاب در سایر کشورهای منطقه، به اختلافات بین شیعه و سنی دامن زدند. وی در این نوشتار سعی کرده دیدگاه‌ها و نظریات اندیشمندان و رهبران مسلمان را درباره ضرورت وحدت شیعه و سنی مطرح کرده و به برخی از شبهات مطرح شده درباره شیعیان پاسخ دهد.

آنچه در پی می‌آید گزارشی اجمالی از این نوشتار است که اهتمام نویسنده آن را در طرح مسئله وحدت با استفاده از دیدگاه‌های برخی از دانشمندان فریقین (به ویژه اهل سنت) نشان می‌دهد: الف) طرد نوشتار محب‌الدین خطیب، نویسنده اهل سعودی ضد شیعه و تبیین پیشینه این شخص در برخورد با خلافت اسلامی (حکومت عثمانی) و پناه بردن به برخی کشورها بر اساس گزارش دکتر فهمی جدعان در کتاب «اسس التقديم عند مفكري الاسلام في العالم العربي الحديث»، چاپ اول، ص ۵۶۲-۵۶۱.

ب) شهید حسن البنا یکی از رهبران حرکت اسلامی معاصر از جمله کسانی است که فکر تقریب بین شیعه و سنی را رواج می‌داد. استاد سالم بهنساوی یکی از متفکران اخوان المسلمین در کتاب «السنة المفتری علیها»، ص ۵۷، به نقش حسن البنا هم پرداخته است.

ج) فراموش نکنیم که تشکیلاتی به نام «جماعة التقريب بين المذاهب الاسلامية» راه‌اندازی شد و شخصیت‌هایی همانند شیخ الازهر عبدالمجید سلیم و امام مصطفی عبدالرزاق و شیخ شلتوت در آن عضویت داشته‌اند.

د) ذکر نمونه‌هایی از تلاش آیت‌الله کاشانی و نواب صفوی در ایجاد وحدت اسلامی طبق گزارش استاد عبدالمتعال الجبری در کتاب «لماذا اغتيل حسن البنا» چاپ اول، دار الاعتصام، ص ۳۲ و استاد محمدعلی ضناوی در کتاب «کبری الحركات الإسلامية في العصر الحديث، ص ۱۵۰، و استاد فتحی پکن در کتاب «الموسوعة الحركية»، ص ۱۶۳ و نیز در کتاب «الإسلام فکرة و حركة و انقلاب»، ص ۵۶ و گزارش مجله «المسلمون» (نشر یافته از سوی اخوان المسلمین) در شماره اول، جلد پنجم، آوریل ۱۹۵۶، ص ۷۶-۷۳.

ه) ذکر فتوای رئیس (سابق) الازهر شیخ شلتوت مبنی بر جواز تعبد به مذهب شیعه اثنا عشر همانند سایر مذاهب اهل سنت.

و) استناد به بخش‌هایی از مطالب صفحات ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴ و ۱۴۵ کتاب «کیف نفهم الاسلام» نوشته شیخ محمد غزالی و صفحات ۷۹ و ۱۵۸ کتاب «نظرات فی القرآن» او.

ز) استناد به سخنان دکتر صبحی صالح در کتاب «معالم الشریعة الإسلامیة»، ص ۵۲ و استناد سعید حوی در کتاب «الاسلام»، ج ۲، ص ۱۶۵ و پژوهش‌گر مسلمان دکتر مصطفی الشکعة در کتاب «اسلام بلا مذاهب» در صفحات ۱۸۲ و ۱۸۷ مبنی بر وجود مذاهب مختلف از جمله امامیه اثنا عشریه در میان مسلمانان و ضرورت وحدت مسلمانان.

ح) استناد به اظهارات شیخ محمد ابو زهره در کتاب «تاریخ المذاهب الاسلامیه»، ص ۳۹ و ۵۲ و دکتر عبدالکریم زیدان در کتاب «المدخل لدراسة الشریعة الاسلامیة»، ص ۱۲۸، در مورد مذهب شیعه و عدم وجود اختلاف اساسی میان آن و سایر مذاهب اسلامی.

ط) استناد به سخنان استاد انور الجندی در کتاب «الاسلام و حركة التاريخ»، ص ۴۲۰ و ۴۲۱، که نسبت به جریان توطئه دشمنان اسلام برای ایجاد تفرقه بین مسلمانان هشدار می‌دهد و یادآور می‌شود که: «حق آن است که اختلاف میان اهل سنت و شیعه از اختلافی که میان مذاهب چهارگانه است، بیشتر نیست».

ی) استناد به نوشته‌های استاد سمیع عاطف الزین در کتاب «المسلمون... من هم؟» ص ۹، که بحث سنی و شیعی را مورد مناقشه قرار می‌دهد و در ص ۹۸-۹۹ تأکید می‌کند که بر همه مسلمانان واجب است از کینه‌توزی دست بردارند و همگی به عنوان امت اسلامی، یک‌دیگر را دوست بدارند و از دشمنی بپرهیزند.

ک) استناد به نوشته ابوالحسن ندوی در مجله مصری «الاعتصام الإسلامیة» (محرم ۱۳۹۸ ق) که آرزو می‌کند با شکل‌گیری تقریب مذاهب اسلامی (شیعه و سنی) انقلابی در میان مسلمانان به وجود آید که در تاریخ تجدید فکر اسلامی نظیر نداشته باشد.

ل) استناد به نوشته استاد صابر طعیمه در کتاب «تحدیات امام العروبة و الاسلام»، ص ۲۰۸، مبنی بر عدم اختلاف میان شیعه و سنی در اصول دین و تصریح به این مطلب که: «... و من الحق ان السنة و الشیعة هما مذهبان من مذاهب الاسلام، یستمدان من کتاب الله و سنة رسوله».

م) اشاره به این نکته مهم که نزد دانشمندان علم اصول فقه، تحقق اجماع مشروط به اتفاق نظر جمیع مجتهدان مسلمان (اعم از سنی و شیعه) است، چنان که استاد عبدالوهاب خالاف در کتاب «علم اصول الفقه»، چاپ ۱۴، ص ۴۶ به این موضوع تصریح کرده است.

ن) اشاره به اظهارات استاد احمد ابراهیم بیک (استاد آقای شلتوت و ابو زهره و خالاف) که در

صفحه ۲۱ و ۲۲ کتاب «علم اصول الفقه»، بخش ضمیمه، از مذهب شیعه و فقها و دانشمندان و آثار علمی آنان یاد می‌کند.

دکتر شقاقی در پایان این نوشتار، ضمن نقد آرای ابن تیمیه، به اهمیت انقلاب اسلامی ایران و نقش آن در آگاهی دادن به ملت‌های مسلمان به ویژه مردم منطقه و ترس قدرت‌های بیگانه از تیلور و نقش اسلام در ایران می‌پردازد و بار دیگر با الهام از سخنان امام خمینی علیه السلام امت اسلامی را به وحدت و یک‌پارچگی دعوت می‌کند.

منابع و مأخذ

۱- سایت: qodstv.ir.

۲- سایت: www.Jamaa-qou.com.

۳- روزنامه رسالت، شماره ۵۹۳۷.

